



## یک مشهدگردی خاطره‌انگیز

چند روزی از تعطیلات عید گذشته است. امید و سارا همراه مامان و بابا بیشتر شب‌ها بعد از افطار برای عید دیدنی خانه اقوام و دوستان می‌روند و گاهی هم افطار مهمان داشته‌اند. بچه‌ها روزه کله‌گنجشکی دارند، امید همان طور که بعد از ماشین بازی در حال جمع کردن اسباب بازی‌هایش است به سارا می‌گوید: بابا هم منچ بازی کنیم. سارا که بابی حوصلگی مکعب روییکش را می‌گرداند می‌گوید: من دلم می‌خواهد به سفر برویم، حوصله‌ام حسابی سررفته است. مامان می‌گوید: دخترم سفر رفتن به برنامه‌ریزی و آمادگی مناسب نیاز دارد، از طرف دیگر الان همه روزه هستیم و اگر سفر برویم باید روزه خود را باز کنیم. پیشنهاد می‌کنم برویم جاهای دیدنی شهرمان را که تا به حال ندیده‌ایم ببینیم. امید و سارا با خوش حالی از پیشنهاد مامان استقبال می‌کنند و بابا هم می‌گوید: پس بروید زود حاضر شوید.

### شهربازی بوستان ملت

اولین مقصد مشهدگردی آن‌ها شهربازی پارک ملت بود؛ جایی که از بهترین، بزرگ‌ترین و پرطرفدارترین شهربازی‌های ایران محسوب می‌شود و گردشگران بسیاری را به خود جذب می‌کند. پیش از هر چیزی خانوادگی بزرگ‌ترین چرخ و فلک خاورمیانه را سوار می‌شوند و سپس بچه‌ها بازی‌های مختلف اسکای فلایر، اسکیت برد، ترن هوایی و سورت‌مه را امتحان و کلی هیجان و لذت را تجربه می‌کنند. هنوز تعداد دیگری از وسایل بازی مانند کشتی دابل، صندلی فضایی، گردباد و... باقی مانده است که به پیشنهاد بابا سوار شدن این وسایل جذاب به فرصت دیگری واگذار می‌شود.

